

کاهش کراتین کیناز- MB به دنبال تجویز اکسی توسین در دوره‌های ایسکمی- رپرفیوژن قلب ایزوله موش صحرایی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۸/۲۱

چکیده

مریم خوانساری

علیرضا ایمانی*، مهدیه فقیهی

مسعود عالی انوری، مریم مقیمیان

حمیدرضا صادقی پور رودسری

گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه

علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

زمینه و هدف: کراتین کیناز- MB شاخص بیوشیمیایی است که در ارزیابی آسیب‌های ناشی از ایسکمی و انفارکتوس قلبی مورد سنجش قرار می‌گیرد. در این مطالعه اثر تجویز اکسی توسین در طی ایسکمی و رپرفیوژن مجدد بر سطح کراتین کیناز- MB مایع کرونری و نیز نقش گیرنده اکسی توسین، نیتریک اکساید، پروستاگلین و کانال‌های پتاسیمی وابسته به آدنوزین تری فسفات میتوکندریایی در قلب ایزوله مدل ایسکمی/ رپرفیوژن مجدد ارزیابی شده است. **روش بررسی:** پس از بیهوش کردن موش صحرایی، قلب جدا شده و به دستگاه لانگندورف انتقال می‌یافت. در گروه ایسکمی/ رپرفیوژن مجدد، ۳۰ دقیقه ایسکمی و متعاقباً ۱۲۰ دقیقه رپرفیوژن مجدد ایجاد شد. در گروه اکسی توسین، اکسی توسین از پنج دقیقه انتهای ایسکمی به مدت ۲۵ دقیقه خون‌رسانی شد. در سایر گروه‌ها، قبل از رپرفیوژن اکسی توسین به ترتیب ال- نیم (مهارکننده نیتریک اکساید سنتاز)، اتوسیان (مهارکننده غیراختصاصی گیرنده اکسی توسین)، ۵- هیدروکسی دکوینات (مهارکننده کانال‌های پتاسیمی وابسته به آدنوزین تری فسفات میتوکندریایی) و ایندومتاسین (مهارکننده غیراختصاصی سیکلواکسیژناز) رپرفیوژن شدند. در تمامی گروه‌ها، سطح آنزیم کراتین کیناز- MB در مایع کرونری در انتهای رپرفیوژن مجدد اندازه‌گیری گردید. هم‌چنین میزان جریان مایع کرونری در فواصل زمانی مشخصی سنجیده شد. **یافته‌ها:** استفاده از غلظت 10^{-11} مولار اکسی توسین در گروه اکسی توسین، آنزیم کراتین کیناز- MB را در مقایسه با گروه ایسکمی/ رپرفیوژن مجدد به‌طور معنی‌داری کاهش داد و استفاده از هر یک از مهارکننده‌ها اثر اکسی توسین را حذف نمود. **نتیجه‌گیری:** تجویز اکسی توسین سبب کاهش سطح آنزیم کراتین کیناز- MB در مایع کرونری گردیده و استفاده از اتوسیان، ال- نیم، ۵- هیدروکسی دکوینات و ایندومتاسین سبب مهار اثر کاهندگی اکسی توسین بر مقدار کراتین کیناز- MB شد.

کلمات کلیدی: ایسکمی/ رپرفیوژن مجدد، اکسی توسین، کراتین کیناز- MB.

* نویسنده مسئول: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، خیابان پورسینا، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پزشکی، گروه فیزیولوژی تلفن: ۶۶۴۹۴۸۴-۲۱ E-mail: aimani@razi.tums.ac.ir

مقدمه

مجدد ایجاد می‌گردد که خود سبب ایجاد آسیب وسیع میوکارد می‌شود.^۱ تاکنون مطالعات فراوانی به‌منظور شناخت و معرفی روش‌های درمانی انجام شده تا بتوان با کمک آن‌ها آسیب‌های ناشی از ایسکمی- رپرفیوژن مجدد را در قلب کاهش داد. شرطی‌سازی در طی ایسکمی و رپرفیوژن مجدد (Postconditioning) به‌عنوان شیوه درمانی جدید به‌منظور بهبود عملکرد قلب، کاهش اندازه انفارکتوس و کاهش مرگ و میر بیماران معرفی شده است.^{۲،۳} در مدل ایسکمیک این نوع شرطی‌سازی، دوره‌های کوتاهی از رپرفیوژن مجدد- ایسکمی

بیماری ایسکمیک قلب (Ischemic Heart Disease (IHD) به‌عنوان یکی از اولین دلایل مرگ و میر در دنیا می‌باشد و ضرورت دست‌یابی به استراتژی‌های درمانی یا حفاظتی کارآمد و مطمئن بسیار احساس می‌شود. برقراری سریع جریان خون برای حفظ عملکرد سلول‌های عضله قلبی دچار ایسکمی ضروری است، اما با برقراری مجدد جریان خون در بافت دچار ایسکمی طولانی‌مدت، پدیده ایسکمی- رپرفیوژن

نیتریک اکساید شده^۸ و می‌تواند موجب اثرات اینوتروپی و کرونوتروپی منفی در قلب گردد.^{۱۱} علاوه بر این، اکسی‌توسین با تحریک تولید نیتریک اکساید، سبب افزایش گوانیل سیکلاز محلول در سلول‌های عضلانی قلب می‌گردد.^{۱۳} هم‌چنین قبلاً مشخص شده است که عملکرد اصلی اکسی‌توسین، تحریک تولید پروستاگلاندین‌ها در اندام تولید مثلی است.^{۱۴} لذا در این مطالعه به ارزیابی اثر تجویز اکسی‌توسین در انتهای فاز ایسکمی و ابتدای فاز پرفیوژن مجدد بر سطح آنزیمی کراتین کیناز-MB در مایع کرونری در موش صحرایی پرداخته شده و نقش رسپتور اکسی‌توسینی، نیتریک اکساید، کانال‌های پتاسیمی حساس به آدنوزین تری‌فسفات میتوکندریایی و پروستاگلاندین در آن مورد بررسی قرار گرفته است.

روش بررسی

این مطالعه علوم پایه (Experimental) در سال ۹۰-۱۳۸۹ در گروه فیزیولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شده و از ۷۲ سر موش صحرایی نر در محدوده وزنی ۳۰۰-۲۵۰ گرم استفاده گردید. حیوانات در شرایط ۱۲ ساعت تاریکی ۱۲ ساعت روشنایی و دسترسی بدون محدودیت به آب و غذا در دمای $24 \pm 4^\circ\text{C}$ نگهداری می‌شدند. به حیوانات نیم ساعت قبل از بیهوشی، ۵۰۰ واحد هپارین به‌صورت داخل صفاقی تزریق شده و سپس بیهوشی با تزریق داخل صفاقی تیوپنتال سدیم (۶۰ mg/kg) انجام می‌شد. حیوان بعد از بیهوشی کامل تحت جراحی قرار گرفته و قفسه‌سینه باز می‌شد. سپس آئورت جهت پرفیوژن رتروگرااد کانوله شده و نخ سیلک ۰-۴ از زیر شاخه نزولی شریان قدامی کرونر عبور داده، قلب را از قفسه‌سینه خارج کرده و به دستگاه لانگندورف جهت پرفیوژن انتقال می‌یافت. بافر بی‌کربناتی کربس هینسلت (بی‌کربنات سدیم = ۲۵، کلرور سدیم = ۱۱۸/۵، کلرید پتاسیم = ۴/۷، سولفات منیزیم ۱/۲، کلرید کلسیم = ۲/۵، بی‌فسفات پتاسیم = ۱/۲ و گلوکز = ۱۱ میلی‌مول در لیتر) به‌عنوان محلول پرفیوژن استفاده می‌شد. دما در طول مدت آزمایش 37°C ، فشار محلول پرفیوژن ۸۰-۷۰ سانتی‌متر آب و $\text{pH} = 7.3 - 7.4$ حفظ می‌گردید. ایسکمی موضعی با بستن شاخه نزولی شریان قدامی کرونر توسط نخ سیلک ایجاد شده و پرفیوژن مجدد نیز با باز نمودن نخ مذکور برقرار می‌گردید. برای اندازه‌گیری فشار داخل بطن چپ، از

در انتهای ایسکمی طولانی مدت و ابتدای پرفیوژن مجدد ایجاد شده و موجب حفاظت قلب در برابر آسیب‌های ناشی از ایسکمی - پرفیوژن مجدد می‌گردد.^۴ مطالعات نشان داده‌اند که رهایی موضعی آگونیست‌هایی نظیر آدنوزین، برادی‌کینین و اپیویدها آغازگر پاسخ حفاظتی بوده و این پاسخ را از طریق تحریک انواع رسپتورهای مزدوج با G- پروتیین‌ها غشاء شروع می‌کنند.^۵ مکانیسم‌های حفاظتی از طریق مسیرهای متعددی فعال می‌شوند که به‌نظر می‌رسد هدف نهایی آن‌ها اثر بر میتوکندری باشد. نشان داده شده است که در طی شرطی‌سازی، کانال‌های پتاسیمی حساس به آدنوزین تری‌فسفات میتوکندریایی باز شده و منجر به حفاظت قلبی می‌شود. این کانال‌ها در تنظیم اندازه و حجم ماتریکس میتوکندری‌ها نقش به‌سزایی دارند، به‌طوری که با باز شدن آن‌ها، یون پتاسیم به‌داخل ماتریکس میتوکندری وارد شده و از کوچک شدن اندازه و حجم ماتریکس در طی ایسکمی - پرفیوژن مجدد جلوگیری می‌کند و با این عمل ساختمان و عملکرد میتوکندری حفظ می‌شود.^۶ سیکلواکسیژناز آنزیمی است که در بافت قلبی فعالیت داشته و منجر به سنتز پروستاگلاندین می‌گردد. از طرفی دیگر، نشان داده شده است که تولید پروستاگلاندین توانسته است سبب کاهش آسیب ایسکمی/پرفیوژن مجدد شود چرا که مهار این آنزیم با استفاده از ایندومتاسین، با کاهش سطح پروستاگلاندین منجر به افزایش اختلال عملکردی در بطن ایسکمیک گردیده است.^۷ نیتریک اکساید از میانجی‌هایی است که در مسیر شرطی‌سازی دخالت دارد.^۸ در مطالعاتی گزارش شده است که آگونیست‌هایی نظیر آدنوزین، برادی‌کینین و اپیویدها با تولید نیتریک اکساید و باز کردن کانال‌های پتاسیمی وابسته به آدنوزین تری‌فسفات میتوکندریایی سبب القای حفاظت قلبی شده و مهار تولید نیتریک اکساید و کانال‌های پتاسیمی حساس به آدنوزین تری‌فسفات میتوکندریایی این اثر حفاظتی را حذف می‌کند.^{۹،۱۰} در دهه گذشته دیدگاه جدیدی در مورد اعمال هورمون نوروهیپوفیزی اکسی‌توسین به‌وجود آمده است. اکسی‌توسین به‌طور موضعی نیز در قلب تولید و آزاد می‌شود. هم‌چنین رسپتور اکسی‌توسین در قلب شناسایی شده است.^{۱۱} اکسی‌توسین در تعدیل فرایندهای ایمنی و التهابی دخالت دارد زیرا دارای اثر آنتی‌اکسیدانی بوده و بر چندین واسطه دخیل در پاتوژنز التهاب مانند تحریک رهایی نیتریک اکساید و کاهش رهایی اینترلوکین ۶ اثر می‌کند.^{۱۲} اکسی‌توسین در قلب سبب افزایش تولید

گروه اتوسیبان+ اکسی‌توسین: در این گروه ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی، اتوسیبان به مدت ۱۰ دقیقه پرفیوز و اکسی‌توسین با دوز 10^{-11} مولار از پنج دقیقه انتهایی ایسکمی ۲۵ دقیقه پرفیوز گردید.

گروه ۵- هیدروکسی دکوینات: در این گروه ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی، ۵- هیدروکسی دکوینات با دوز 10^{-6} به مدت ۱۰ دقیقه پرفیوز شد.

گروه ۵- هیدروکسی دکوینات+ اکسی‌توسین: در این گروه ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی، ۵- هیدروکسی دکوینات به مدت ۱۰ دقیقه پرفیوز شد و اکسی‌توسین با دوز 10^{-11} مولار از پنج دقیقه انتهایی ایسکمی به مدت ۲۵ دقیقه تزریق گردید.

گروه ایندومتاسین+ اکسی‌توسین: در این گروه ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی، ایندومتاسین به مدت ۱۰ دقیقه پرفیوز و اکسی‌توسین با دوز 10^{-11} مولار از پنج دقیقه انتهایی ایسکمی ۲۵ دقیقه تزریق گردید.

جریان خروجی کرومر در دقیقه ۱۲۰ پرفیوژن مجدد جمع‌آوری شده و میزان آنزیم کراتین کیناز- MB موجود در آن با استفاده از کیت‌های اختصاصی و آماده (شرکت پارس آزمون، تهران، ایران) و با استفاده از دستگاه اتوآنالیزور (Roche Hitachi Modular DP Systems; Mannheim, Germany) اندازه‌گیری شدند. داده‌های به صورت میانگین \pm خطای استاندارد از میانگین گزارش شده و ارزیابی آماری با آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون تک‌میلی توکی انجام شد. $P < 0/05$ اختلاف معنی‌دار در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

تغییرات آنزیم کراتین کیناز- MB: تغییرات آنزیم قلبی کراتین کیناز- MB در گروه‌های مورد مطالعه در نمودار ۱ نشان داده شده است که در آن مقدار کراتین کیناز- MB در گروه‌های ایسکمی/ پرفیوژن مجدد و اکسی‌توسین به ترتیب $135/7 \pm 16/6$ و $18/7 \pm 1/9$ واحد در لیتر بوده و استفاده از اکسی‌توسین سبب کاهش معنی‌دار ($P < 0/01$) آنزیم کراتین کیناز- MB در مقایسه با گروه ایسکمی/ پرفیوژن مجدد شده بود. استفاده از ۵- هیدروکسی دکوینات همراه با اکسی‌توسین سبب حذف اثر کاهندگی اکسی‌توسین بر سطح آنزیمی کراتین کیناز- MB شده و به طور معنی‌داری مقدار کراتین کیناز- MB ($P < 0/01$) افزایش یافته و به سطح گروه ایسکمی/ پرفیوژن

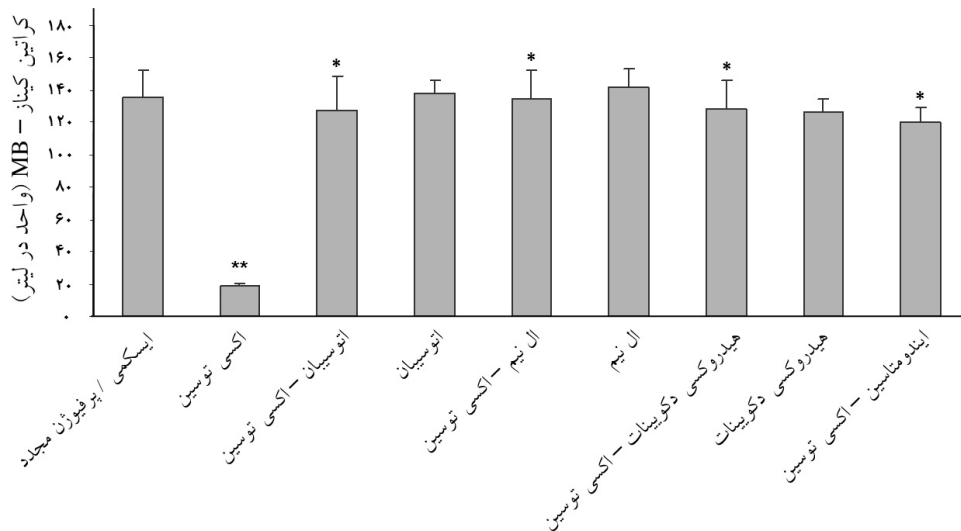
بالون لانتکس پر از آبی (با فشار ۸-۴ میلی‌متر جیوه) که از طریق کاتتر با ترانس‌دیوسر فشاری ارتباط دارد استفاده می‌شد. در ابتدا از طریق برش کوچک ایجاد شده روی دهلیز چپ، بالون را وارد دهلیز نموده و از دریچه میترال نیز عبور داده تا در بطن چپ تثبیت گردد. تغییرات فشار بطن چپ از طریق ترانس‌دیوسر فشاری به دستگاه بیولاب (Biolab, Iran) منتقل شده و همواره در طی آزمایش، مانیتور و ثبت می‌شد. پس از پایان یافتن مراحل جراحی، به قلب اجازه داده می‌شد تا در یک دوره زمانی با شرایط جدید سازش پیدا کند (حدود ۱۵ دقیقه). پس از مدت مذکور، اگر قلب دارای تعداد ضربان کم‌تر از محدوده نرمال (کم‌تر از ۱۵۰ ضربه در دقیقه) یا فشار بطن چپ کم‌تر از ۷۰ میلی‌متر جیوه بود، از مطالعه حذف می‌گردید. در این مطالعه، تمامی حیوانات تحت ۳۰ دقیقه ایسکمی موضعی و متعاقب آن ۱۲۰ دقیقه پرفیوژن مجدد قرار گرفتند. سطح آنزیم کراتین کیناز- MB (واحد در لیتر) در مایع کرومری در انتهای پرفیوژن مجدد مورد سنجش قرار گرفت. کراتین کیناز- MB شاخص بیوشیمیایی است که در هنگام نکرور میوکارد افزایش می‌یابد و به طور شایع در مطالعات آزمایشگاهی و در ارزیابی انفارکتوس قلبی مورد سنجش قرار می‌گیرد.^{۱۵} همچنین در انتهای زمان پایه، انتهای ایسکمی و در دقایق ۶۰ و ۱۲۰ پرفیوژن مجدد، خروجی کرومر جمع‌آوری شده و مقدار آن برحسب میلی‌لیتر در دقیقه محاسبه می‌گردید. ارزیابی میزان جریان کرومری شاخصی برای ارزیابی عملکرد بطن می‌باشد.^{۱۶} تمام داروهای مذکور از (Sigma Co., Aldrich) تهیه شدند. در این مطالعه حیوانات به صورت تصادفی به ۹ گروه هشت‌تایی تقسیم شدند:

گروه ایسکمی/ پرفیوژن مجدد: در این گروه قلب موش صحرایی تحت ۳۰ دقیقه ایسکمی و ۱۲۰ دقیقه پرفیوژن مجدد قرار گرفتند. گروه اکسی‌توسین: در این گروه از پنج دقیقه انتهایی ایسکمی، اکسی‌توسین با دوز 10^{-11} مولار به مدت ۲۵ دقیقه پرفیوز شد.

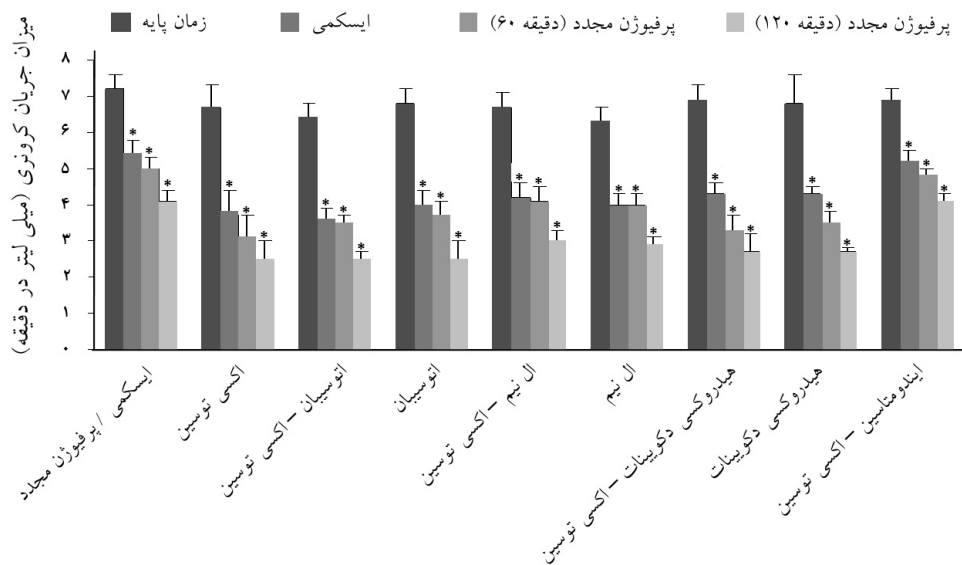
گروه ال- نیم: در این گروه ال- نیم با دوز 10^{-6} مولار به مدت ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی طولانی مدت پرفیوز شد.

گروه ال- نیم+ اکسی‌توسین: در این گروه ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی، ال- نیم به مدت ۱۰ دقیقه پرفیوز شد و اکسی‌توسین با دوز 10^{-11} مولار از پنج دقیقه انتهایی ایسکمی ۲۵ دقیقه تجویز گردید.

گروه اتوسیبان: در این گروه ۱۰ دقیقه قبل از ایسکمی، اتوسیبان با دوز 10^{-8} مولار به مدت ۱۰ دقیقه پرفیوز شد.



نمودار ۱: سطح آنزیم کراتین کیناز-MB مایع کرونری در گروه‌های مختلف. مقادیر به صورت میانگین ± خطای استاندارد از میانگین نشان داده شده‌اند. * (P<0/01): وجود تفاوت معنی‌دار در مقایسه با گروه اکسی توسین، ** (P<0/01): وجود تفاوت معنی‌دار در مقایسه با گروه ایسکمی / پرفیوژن مجدد.



نمودار ۲: میزان جریان مایع کرونری در گروه‌های مختلف. مقادیر به صورت میانگین ± خطای استاندارد از میانگین نشان داده شده‌اند. * (P<0/05) در مقایسه با زمان پایه در داخل هر گروه.

شده و به‌طور معنی‌داری مقدار کراتین کیناز-MB (P<0/01) را افزایش داده و سبب بازگشت مقادیر کراتین کیناز-MB به سطح گروه ایسکمی / پرفیوژن مجدد شد. سطح آنزیمی کراتین کیناز-MB در

مجدد رسید. استفاده از ال-نیم و اتوسیبیان و ایندومتاسین نیز در گروه‌های ال-نیم+ اکسی توسین و اتوسیبیان+ اکسی توسین و ایندومتاسین+ اکسی توسین سبب حذف اثر کاهندگی اکسی توسین

گروه‌هایی که مهارکننده‌های ۵- هیدروکسی دکوبینات، اتوسیان و ال- نیم به‌تنهایی و بدون اکسی‌توسین به‌کار برده شدند تفاوت معنی‌دار با گروه ایسکمی/ رپرفیوژن مجدد نداشت.

تغییرات میزان جریان کرونری: از نظر آماری تفاوت معنی‌داری در انتهای زمان پایه بین گروه‌های مورد مطالعه وجود نداشت. میزان جریان کرونری به‌طور معنی‌داری (داخل گروهی) در انتهای ایسکمی و در دقایق ۶۰ و ۱۲۰ رپرفیوژن مجدد در مقایسه با زمان پایه کاهش یافته و استفاده از اکسی‌توسین در این مطالعه تأثیری بر میزان جریان کرونری در طی دوره‌های مذکور نداشت. در سایر گروه‌ها نیز میزان جریان کرونری در طی دوره‌های ایسکمی و رپرفیوژن مجدد کاهش معنی‌داری در مقایسه با زمان پایه در داخل هر گروه داشت.

بحث

نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که تجویز اکسی‌توسین در انتهای ایسکمی و ابتدای رپرفیوژن مجدد موجب کاهش معنی‌دار مقدار آنزیم کراتین کیناز- MB در مقایسه با گروه ایسکمی/ رپرفیوژن مجدد شده و توانسته است قلب را از آسیب ناشی از ایسکمی- رپرفیوژن مجدد محافظت کند. مهار گیرنده اکسی‌توسین با استفاده از اتوسیان، مهار تولید نیتریک اکساید با استفاده از ال- نیم، مهار کانال‌های پتاسیمی وابسته به آدنوزین تری‌فسفات میتوکندریایی توسط ۵- هیدروکسی دکوبینات و مهار سیکلواکسیژناز با استفاده از ایندومتاسین در گروه‌های مختلف سبب مهار این اثر اکسی‌توسین گردید.

قبلا در این آزمایشگاه نشان داده شده است که استفاده از اکسی‌توسین قبل از القای ایسکمی- رپرفیوژن مجدد (پیش‌شرطی‌سازی یا Preconditioning) سبب حفاظت قلب در برابر آسیب‌های ناشی از ایسکمی- رپرفیوژن مجدد شده است.^{۱۰} اما با توجه به محدودیت‌های موجود در به‌کارگیری مدل پیش‌شرطی‌سازی، در این مطالعه اثر شرطی‌سازی در طی ایسکمی و رپرفیوژن مجدد یعنی استفاده از اکسی‌توسین در طی انتهای فاز ایسکمی و ابتدای فاز رپرفیوژن مجدد مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که در ایجاد شرطی‌سازی در طی ایسکمی و رپرفیوژن مجدد میانجی‌های شیمیایی مختلفی مانند نیتریک اکسید^{۲۷} و پروستاگلاندین‌هایی مانند پروستاگلاندین^۷ نقش داشته و در نهایت منجر به باز شدن کانال‌های

می‌کند و استفاده از اکسی‌توسین نتوانسته که سبب پیش‌گیری از این کاهش گردد. از آنجا که سنجش میزان جریان کرونری شاخصی برای ارزیابی عملکرد بطنی است بنابراین در این مطالعه به‌نظر می‌رسد که علی‌رغم آن‌که اکسی‌توسین توانسته است سبب کاهش مقدار آنزیم کراتین کیناز-MB شود، ولی با توجه به این شاخص به‌نظر می‌رسد که اکسی‌توسین تأثیری بر عملکرد بطنی نداشت. شاید ارزیابی اثر اکسی‌توسین بر عملکرد بطنی در زمان‌های انتخاب شده قابل مشاهده نبوده و نیاز به بررسی در زمان طولانی‌تری باشد.

از طرفی به‌نظر می‌رسد که شاید با بهره‌گیری از شاخص‌های مهم دیگری مانند سنجش فشار توسعه‌یافته بطن چپ یا حاصل ضرب فشار بطنی در تعداد ضربان بتوان اثر اکسی‌توسین بر عملکرد بطن چپ را ارزیابی دقیق‌تری کرد. تجویز اکسی‌توسین در انتهای ایسکمی و ابتدای پرفیوژن مجدد سبب کاهش سطح آنزیم کراتین کیناز-MB در مایع کرونری گردیده و به‌کارگیری اتوسیبیان، ال-نیم، ۵-هیدروکسی دکوینات و ایندومتاسین سبب مهار اثر کاهندگی اکسی‌توسین بر میزان آنزیم کراتین کیناز-MB شده است.

سپاسگزاری: این مقاله حاصل بخشی از پایان‌نامه تحت عنوان "بررسی مکانیسم اثر Post conditioning ناشی از اکسی‌توسین در برابر ضایعات ایسکمی - پرفیوژن مجدد ناحیه‌ای قلب ایزوله موش صحرایی نر" در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۹۰-۱۳۸۹ با حمایت دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌باشد.

پس از آن در طی فاز ثانویه پرفیوژن مجدد پروستاگلین به‌شدت کاهش می‌یابد. به این دلیل، بیان شده است که در واقع تولید پروستاگلین نه تنها در آسیب‌های ناشی از ایسکمی/پرفیوژن مجدد دخالت ندارد بلکه افت شدید و ناگهانی آن در طی فاز ثانویه پرفیوژن مجدد نقش به‌سزایی در ایجاد آسیب‌ها داشته است. بنابراین اعمال هرگونه مداخله‌ای در طی فاز پرفیوژن مجدد که بتواند با فعال کردن آنزیم سیکلوآکسیژناز منجر به افزایش سطح پروستاگلین گردد یا از کاهش آن جلوگیری نماید، می‌تواند منجر به حفاظت میوکارد در برابر آسیب‌های ناشی از ایسکمی/پرفیوژن مجدد شود.^{۳۰} در همین راستا اثر حفاظتی ناشی از تجویز برادی‌کینین در طی پرفیوژن مجدد مورد آزمایش قرار گرفته و گزارش گردید که برادی‌کینین از طریق تولید پروستاگلین در طی پرفیوژن مجدد سبب کاهش آسیب میوکارد می‌گردد چرا که استفاده از ایندومتاسین سبب حذف اثر حفاظتی برادی‌کینین شده است.^۷ در مطالعه حاضر نیز نشان داده شد که تجویز اکسی‌توسین در طی پرفیوژن مجدد توانسته است سبب حفاظت میوکارد شود و مهار آنزیم سیکلوآکسیژناز توسط ایندومتاسین منجر به حذف این اثر حفاظتی شده است. بنابراین محتمل به‌نظر می‌رسد که بخشی از اثر حفاظتی ناشی از اکسی‌توسین به‌دلیل افزایش سطح پروستاگلین در طی پرفیوژن مجدد باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که با القای ایسکمی و در ادامه با برقراری پرفیوژن مجدد میزان جریان مایع کرونری کاهش معنی‌داری پیدا

References

- Balakumar P, Singh H, Singh M, Anand-Srivastava MB. The impairment of preconditioning-mediated cardioprotection in pathological conditions. *Pharmacol Res* 2009;60(1):18-23.
- Hausenloy DJ. Signalling pathways in ischaemic postconditioning. *Thromb Haemost* 2009;101(4):626-34.
- Hausenloy DJ, Yellon DM. Preconditioning and postconditioning: underlying mechanisms and clinical application. *Atherosclerosis* 2009;204(2):334-41.
- van Vuuren D, Lochner A. Ischaemic postconditioning: from bench to bedside. *Cardiovasc J Afr* 2008;19(6):311-20.
- Hausenloy DJ, Ong SB, Yellon DM. The mitochondrial permeability transition pore as a target for preconditioning and postconditioning. *Basic Res Cardiol* 2009;104(2):189-202.
- Garlid KD, Dos Santos P, Xie ZJ, Costa AD, Paucek P. Mitochondrial potassium transport: the role of the mitochondrial ATP-sensitive K(+) channel in cardiac function and cardioprotection. *Biochim Biophys Acta* 2003;1606(1-3):1-21.
- Penna C, Mancardi D, Tullio F, Pagliaro P. Postconditioning and intermittent bradykinin induced cardioprotection require cyclooxygenase activation and prostacyclin release during reperfusion. *Basic Res Cardiol* 2008;103(4):368-77.
- Buyukates M, Kalaycioglu S, Oz E, Soncul H. Effects of ischemic preconditioning in human heart. *J Card Surg* 2005;20(3):241-5.
- Zaugg M, Schaub MC. Signaling and cellular mechanisms in cardiac protection by ischemic and pharmacological preconditioning. *J Muscle Res Cell Motil* 2003;24(2-3):219-49.
- Houshmand F, Faghihi M, Zahedi S. Biphasic protective effect of oxytocin on cardiac ischemia/reperfusion injury in anesthetized rats. *Peptides* 2009;30(12):2301-8.
- Gutkowska J, Jonkowski M, Mukaddam Daher S, Mccann SM. Oxytocin is a cardiovascular hormone. *Braz J Med Biol Res* 2000;33(6):625-33.
- Jankowski M, Bissonauth V, Gao L, Gangal M, Wang D, Danalache B, et al. Anti-inflammatory effect of oxytocin in rat myocardial infarction. *Basic Res Cardiol* 2010;105(2):205-18.
- Costa-E-Sousa RH, Pereira-Junior PP, Oliveira PF, Olivares EL, Werneck-de-Castro JP, Mello DB, et al. Cardiac effects of oxytocin: is there a role for this peptide in cardiovascular homeostasis? *Regul Pept* 2005;132(1-3):107-12.
- Soloff MS, Jeng YJ, Copland JA, Strakova Z, Hoare S. Signal pathways mediating oxytocin stimulation of prostaglandin synthesis in select target cells. *Exp Physiol* 2000;85 Spec No:51S-58S.

15. Yilmaz A, Yalta K, Turgut OO, Yilmaz MB, Ozyol A, Kendirlioglu O, et al. Clinical importance of elevated CK-MB and troponin I levels in congestive heart failure. *Adv Ther* 2006;23(6):1060-7.
16. Duan X, Ji B, Yu K, Liu J, Hei F, Long C. Pharmacological postconditioning protects isolated rat hearts against ischemia-reperfusion injury: the role of mitochondrial permeability transition pore. *ASAIO J* 2011;57(3):197-202.
17. Penna C, Cappello S, Mancardi D, Raimondo S, Rastaldo R, Gattullo D, et al. Post-conditioning reduces infarct size in the isolated rat heart: role of coronary flow and pressure and the nitric oxide/cGMP pathway. *Basic Res Cardiol* 2006;101(2):168-79.
18. Penna C, Rastaldo R, Mancardi D, Raimondo S, Cappello S, Gattullo D, et al. Post-conditioning induced cardioprotection requires signaling through a redox-sensitive mechanism, mitochondrial ATP-sensitive K⁺ channel and protein kinase C activation. *Basic Res Cardiol* 2006;101(2):180-9.
19. Hupf H, Grimm D, Riegger GA, Schunkert H. Evidence for a vasopressin system in the rat heart. *Circ Res* 1999;84(3):365-70.
20. Vincent JL, Su F. Physiology and pathophysiology of the vasopressinergic system. *Best Pract Res Clin Anaesthesiol* 2008;22(2):243-52.
21. Alizadeh AM, Faghihi M, Sadeghipour HR, Mohammadghasemi F, Imani A, Houshmand F, et al. Oxytocin protects rat heart against ischemia-reperfusion injury via pathway involving mitochondrial ATP-dependent potassium channel. *Peptides* 2010;31(7):1341-5.
22. Tuğtepe H, Sener G, Biyikli NK, Yüksel M, Cetinel S, Gedik N, et al. The protective effect of oxytocin on renal ischemia/reperfusion injury in rats. *Regul Pept* 2007;140(3):101-8.
23. Düşünceli F, İşeri SO, Ercan F, Gedik N, Yeğen C, Yeğen BC. Oxytocin alleviates hepatic ischemia-reperfusion injury in rats. *Peptides* 2008;29(7):1216-22.
24. Fujita A, Kurachi Y. Molecular aspects of ATP-sensitive K⁺ channels in the cardiovascular system and K⁺ channel openers. *Pharmacol Ther* 2000;85(1):39-53.
25. Zhao TC, Kukreja RC. Late preconditioning elicited by activation of adenosine A(3) receptor in heart: role of NF- kappa B, iNOS and mitochondrial K(ATP) channel. *J Mol Cell Cardiol* 2002;34(3):263-77.
26. Murata M, Akao M, O'Rourke B, Marbán E. Mitochondrial ATP-sensitive potassium channels attenuate matrix Ca(2+) overload during simulated ischemia and reperfusion: possible mechanism of cardioprotection. *Circ Res* 2001;89(10):891-8.
27. Korge P, Honda HM, Weiss JN. Protection of cardiac mitochondria by diazoxide and protein kinase C: implications for ischemic preconditioning. *Proc Natl Acad Sci U S A* 2002;99(5):3312-7.
28. Forbes RA, Steenbergen C, Murphy E. Diazoxide-induced cardioprotection requires signaling through a redox-sensitive mechanism. *Circ Res* 2001;88(8):802-9.
29. Pain T, Yang XM, Critz SD, Yue Y, Nakano A, Liu GS, et al. Opening of mitochondrial K(ATP) channels triggers the preconditioned state by generating free radicals. *Circ Res* 2000;87(6):460-6.
30. Engels W, Van Bilsen M, De Goot M, Lemmense P, Willemsen P, Reneman R, et al. Ischemia and reperfusion induced formation of eicosanoids in isolated rat hearts. *Am J Physiol* 1990;258(4):1865-71.

Reducing creatine kinase-MB levels following oxytocin administration during ischemia-reperfusion periods in isolated rat heart

Received: July 26, 2011 Accepted: November 12, 2011

Abstract

Maryam Khansari M.Sc.
Alireza Imani Ph.D.*
Mahdieh Faghihi Ph.D.
Masood Aali Anvari M.Sc.
Maryam Moghimian Ph.D.
Hamid Reza Sadeghipour
Roodsari Ph.D.

Department of Physiology, School of
Medicine, Tehran University of
Medical Sciences, Tehran, Iran.

Background: Creatine kinase is a cardiac biomarker that is used for the assessment of ischemic injuries and myocardial infarction. The present study was designed to evaluate effects of oxytocin administration during ischemia and reperfusion periods on CK-MB levels in the coronary effluent of isolated rat heart and the possible role of oxytocin receptor, nitric oxide (NO), prostacyclin and mitochondrial ATP-dependent potassium channels in this regard.

Methods: Male wistar rats (n=8) were anesthetized with sodium thiopental and their hearts were transferred to a Langendorff perfusion apparatus. All animals were randomly divided into nine groups as follow; in the ischemia-reperfusion group, hearts underwent 30 min of regional ischemia followed by 120 min of reperfusion. In oxytocin group, hearts were perfused with oxytocin 5 min after ischemia induction for 25 min. In other groups, 35 min prior to oxytocin perfusion, atosiban (a non-specific oxytocin receptor blocker), L-NAME (an NO synthase inhibitor), indomethacin (a non-specific cyclooxygenase blocker) and 5-HD (a specific mKATP channel blocker) were perfused for 10 min. In all groups, we measured CK-MB levels in the coronary effluent at the end of reperfusion. Moreover, coronary flow (mL/min) was measured at baseline, during ischemia period and 60 and 120 min after reperfusion.

Results: Oxytocin administration significantly reduced CK-MB level in oxytocin group as compared to ischemia-reperfusion group. Administration of atosiban, L-NAME, indomethacin and 5-HD prior to oxytocin perfusion abolished the effects of oxytocin on CK-MB levels.

Conclusion: Administration of oxytocin during ischemia and reperfusion periods decreased CK-MB levels but infusion of atosiban, L-NAME, 5-HD and indomethacin inhibited oxytocin from exerting its effects.

Keywords: MB creatine kinase, ischemia-reperfusion, oxytocin.

* Corresponding author: Dept. of
Physiology, School of Medicine, Tehran
University of Medical Sciences, Poor
Sina St., 16 Azar St., Enqelab Sq.,
Tehran, Iran.
Tel: +98-21-66419484
E-mail: aimani@razi.tums.ac.ir